

با خاطرات کودکی تا بزرگ سالی یکی از ساکنان محله شهید بسکابادی

آماده برای کار در کنار آقای آماده



محله گردی

ایستگاه اول

نیکو عقیده | علی رضا بسکابادی تقریباً زندگی اش را در یک خیابان گذرانده است؛ خیابانی که مشابه فامیلی او است. ۴۸ سال پیش، وقتی کودک بود، همراه خانواده اش از روستای شهر آمد و در خیابان شهید بسکابادی ساکن شد؛ همان جایی که دواج کرد، بچه هایش را بزرگ کرد و هنوز هم در همین خیابان زندگی می کند. جوشکاری را از پدرش یاد گرفت و حالا هم با همان مهارت، روزگار می گذراند. اما او فقط یک جوشکار ساده نیست. دلش برای محله اش می تپد، عضو هیئت امنای مسجد حضرت زهرا (س) است و چهره ای آشنا برای همه اهالی. حالا که از گذشته اش می گوید، می شود درد خاطر اش را در تک تک کوچه های محله اش دید.



مسجد جواد الاثمه (۴)
قدیمی ترین مسجد خیابان شهید بسکابادی است. ساختش سال ۶۱ به پایان رسید. آن موقع من هنوز بچه بودم و فقط چهار دیواری ساده ای از مسجد بالا رفته بود. اما با همین وضعیت هم اهالی برای عزاداری در آن دور هم جمع می شدند.

ایستگاه دوم

نوجوان که بودم، در یک کارخانه پلاستیک سازی کوچک در خیابان شهید بسکابادی ۲۲، متعلق به آقای آماده، کار می کردم. شب ها چند ساعتی سر کار بودم و صبح ها می رفتم مدرسه. در این کارخانه با ضایعات پلاستیک، دبه های بیست لیتری و توپ های پلاستیکی درست می کردیم. حالا اینجا جوشکاری شده است.



ایستگاه سوم

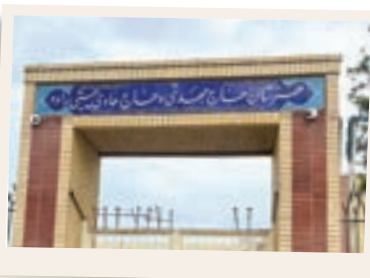
انتهای این خیابان پایانه اتوبوس رانی است؛ پایانه ای که راه اندازی اش حاصل سال ها پیگیری و بحث در جلسات شورای اجتماعی محله بود. پایانه بعد از کلی تلاش، بالاخره شش سال پیش راه افتاد و از آن زمان، رفت و آمد برای اهالی خیلی راحت تر شده است.



ایستگاه چهارم

ایستگاه پنجم

در انتهای خیابان شهید بسکابادی، هنرستان حاج مهدی و حاج هادی چیتی زاده قرار دارد؛ مدرسه ای که قبلاً با نام راهنمایی ۱۲ فروردین شناخته می شد و پسر من هم مدتی دانش آموز همین مدرسه بود.



شهید رجبعی بسکابادی هم بازی دوران کودکی ام بود. دوسه سالی از من بزرگ تر بود، اما خیلی با هم صمیمی بودیم. هر روز بعد از مدرسه، با بچه های محل در زمین های خالی اطراف همین جافوتبال بازی می کردیم. وقتی شهید شد، همه محله عزادار شد. چند سال بعد، نام خیابان را به یاد او تغییر دادند. پیش از آن، نام این خیابان «شهید طالقانی» بود.

یکی از مساجد فعال محله ما، مسجد حضرت زهرا (س) است که این روزها مشغول توسعه و بازسازی آن هستیم. سال ۱۳۹۰، رجبعی بسکابادی، پدر شهید بسکابادی، این زمین را برای ساخت مسجد وقف کرد. بعد از آن، ما اهالی محله دست به دست هم دادیم و این مسجد را ساختیم. حالا هم من عضو هیئت امنای همین مسجد هستم.

